



سر آهنگ قامتی بر بلندای زمان

کوچه خرابات که از نقاط قدیمی شهر کابل به حساب می آید، چهره و شکل اصیل خود را با حفظ رسوم و عادات خاصه خراباتیان با نوای دل انگیز ساز و آواز در دل شهر کابل تا سالهای ۱۹۹۲ یعنی تا درگیری های تنظیمی حفظ کرده بود. این کوچه جایگاه بزرگ مردانی بود که با تلاش شب روزی خود برای حفظ اصالت موسیقی افغانی، غزل های ناب را با آهنگ های روح نواز در سینه های آکنده از عشق و محبت پخته می ساختند و به منظور فرحت، شادی و خوشی به هم میهنان شان صادقانه اهدا می کردند.

هوا و فضای کوچه خرابات سر شار از سرود، ساز و آواز بود، جوش خروش، شادی و خوشی راه اش را از همین چشمه سارانی شفاف خرابات در محافل شادی کابل نشینان و سایر نقاط کشور باز می کرد. کوچه خرابات زادگاه ابر مرد شد که او فریادی بود بلند تر از صدا های زمانه اش و هنرمندی

بود یگانه و آراسته با زیور دانش اصیل، زیرا وی بهتر از هر کس دیگر با زبان بی‌زبانی‌های ساز آشنائی داشت.

استاد محمد حسین سرآهنگ فرزند یکی از پیشگامان موسیقی اصیل افغانی استاد غلام حسین (ناتکی) بود که در سال ۱۳۰۲ هجری خورشیدی در گذر خرابات کابل دیده به جهان گشود، این ابرمرد موسیقی افتخارات بس والایی به کشورش کمایی کرده بود لحظات بیشتر عمرش را در راه باروری و رشد موسیقی به سر رساند، بدون شک مرحوم استاد سرآهنگ، سرآهنگ زمان خودش و زمانه‌های آینده شناخته شده بود. وی در فامیل اهل طرب دیده به جهان گشود و هم مانند سایر خراباتیان با طرب و سرود گری بالنده و بزرگ شد. تحصیلات اش را در لیسه نجات به پایان رسانید، بعد از پرورش و تشویق پدرش استاد غلام حسین که خود با مکتب خاصی در گوشه دیگر کوچه خرابات مشغول تدریس آواز خوانان بود، به قصد آموزش موسیقی راهی هندوستان گردید. شانزده سال تمام در سرزمین پهناور هند مصروف فراگیری موسیقی بود. سرآهنگ بعد ها هم سفرهای به کشور هندوستان داشت که با پذیرائی گرم و با شکوه مردم هنرپرور هند رو به رو گردید.

استاد سرآهنگ با ظرافت و استعداد خدا دادی که داشت همان گونه هنرمندانه با صدای گیرایی که موسیقی پیوند آنرا قشنگ تر و جذاب تر می

ساخت تحسین و تحیر موسیقی شناسان را به خود وامیداشت و شور و غوغا بر پا می کرد. استاد سرآهنگ با علاقه و عشق فراوانی که به دنیای موسیقی داشت چون بزرگ مردی در خم و پیچ های زمانه و روزگارش جسورانه قد برافراشت. در هنری که به خاطر آن عالمی از مشکلات و رنج ها را متقبل گردیده استادانه صاحب مقام و منزلت گردید. درجه ها، آفرین نامه ها، مدالها و افتخارات فراوانی را بدست آورد. درجه علمی ماستری، دکتری، استادی؛ القاب مانند بابای موسیقی، شیر موسیقی، کوه بلند موسیقی و بالاخره سرتاج موسیقی.

باری استاد سرآهنگ طی مصاحبه یی در رابطه به همه افتخارات بدست آورده اش گفته بود: من موفقیتی را که بدست آورده ام مرهون مهربانی های پروردگار بزرگ خود استم و در راه کسب این پیروزی دعای پدر و مادر و نظر اولیا را مهم میدانم این همه افتخارات بدست آورده ام، تنها مربوط به من نیست بلکه مربوط به وطن عزیزم من است که در خاک و آب آن پرورش یافته ام. بدست آوردن این افتخارات حقی را که سرزمین مقدس بردوش من دارد جبران کرده نمی تواند. موسیقی کلاسیک کشور ما با صدا و نوای استاد انجمن ساز و طرب آفرین بود، استاد جان و جانان خرابات بود خانقاهها، قدمگاه، دلها و درگاه شور حالها همیشه نقش قدم های استاد را داشت. استاد سرآهنگ در باره موسیقی کلاسیک افغانی می گفت:

شاید این نکته که من می گویم (موسیقی کلاسیک افغانی) موجب تعجب بعضی ها بشود، اما این یک واقعیت است موسیقی در زمان (بودا) در همین بامیان امروزه رونق فراوان داشت. بامهاجرت های مردم سرزمین آریانا به سوی هند موسیقی ما نیز به مرز هندوستان رفت. از طرف دیگر، موسیقی را که من می خوانم (خیال) نام دارد که از اختراعات امیر خسرو بلخی فرزند نامدار سرزمین بلخ است. قبل از این که امیر خسرو بلخی (خیال) را اختراع کند موسیقی هند محدود میشد به نامهای (دوربت، کرناتیک و بجن) اما وقتی خیال اختراع شد آنقدر سه نوع موسیقی را زیر تاثیر قرار داد که بکلی جانشین آنها شد. و تا امروز مردم هند از شنیدن آن محسوس و محظوظ می شوند.) هنر استاد سرآهنگ نه تنها در داخل کشور علاقمندان بیشماری داشت و دارد بلکه در حلقه های هنری و رسمی هندوستان، هنر دوستان در برابرش به رسم هند و وان زانو می زدند، در کنسرت هایش با افتخار راه می جستند و با عظمت نام او را به زبان می آوردند.

استاد سرآهنگ در شب ۱۶ جوزا ۱۳۶۱ خورشیدی به اثر مریضی که عاید حالش گردیده بود پدرورد حیات گفت؛ اما او که جان و جان خرابات بود چون قامتی بر بلندای زمان با خدمات و رهتوشه هایش در عرصه هنر موسیقی کشور ما نامی است جاودانه و ماندگار.